

میرزا ملکم خانِ ارمنی؛ سفیر ایران در لندن^۱

محمدیگ شاختاخینسکی^۲

ترجمه تورج خسروی^۳

مقدمه مترجم

اسناد و مدارک دست‌اول همیشه در مطالعات و بررسی‌های تاریخی اهمیت ویژه‌ای داشته است. از این رو، مقاله «میرزا ملکم خانِ ارمنی؛ سفیر ایران در لندن» که بیست و یک سال قبل از مرگ ملکم خان به نگارش درآمده است، نیز از این اهمیت برخوردار است. اما سواى از دست‌اول بودن، این مقاله که از سوی شاختاخینسکی، نویسنده معروف، در سن پترزبورگ به چاپ رسیده است نشان‌دهنده گستره نام و آوازه میرزا ملکم خان در میان روشنفکران و متفکران روسی، ارمنی و آذری است که از نقش وی در سپهر سیاسی و ادبی ایران به خوبی آگاهی داشته‌اند. نویسنده اطلاعات دقیقی از دوران کودکی ملکم خان و نحوه ورود او به دربار ارائه می‌دهد؛ سپس به اهداف و فرجام فراموشخانه پرداخته و در پایان به مأموریت‌ها، سبک نگارش ملکم خان و چاپ مقالات وی در نشریه‌های اروپایی اشاره می‌کند که برای محققانی که قصد گردآوری، مطالعه و بررسی آثار و افکار میرزا ملکم خان را دارند، بسیار مؤثر است. به همین خاطر مترجم دست به ترجمه این مقاله یازیده است.

۱. اصل این مقاله به زبان ارمنی با عنوان زیر و در دو هفته‌نامه آراکس جلد ۴ در سال (۱۳۰۴/۱۸۸۷ ق.) به چاپ رسیده است.

ՀԱՅՁԳԻ ՄԻՐՉԱՅ ՄԵԼԷՔՈՒՄ ԽԱՆ ՊԱՐՄԻՑ ԳԵՍՊԱՆ ԼՈՆԴՈՆՈՒՄ, «Արարք» պատկերագրող հանդես, 1887, գիրք Ա, էջ 147-151.

۲. محمد آقا (ملقب به محمدیگ) شاختاخینسکی در سال ۱۸۴۶ م. / ۱۲۶۲ ق. در روستای شاه‌تختی از توابع شرور در نخجوان به دنیا آمد. خاندان وی متمول و دارای املاکی در نخجوان و ایروان بودند. وی، پس از تحصیلات ابتدایی، جهت ادامه تحصیل در مقاطع عالی و دانشگاهی به تفلیس و سپس به سن پترزبورگ رفت. محمدیگ پس از آن راهی آلمان شد تا در آنجا فلسفه، تاریخ و حقوق بیاموزد. وی بعد از آن به فرانسه رفت و در این کشور زبان‌های شرقی (فارسی، عربی، ترکی) آموخت و بالطبع به زبان فرانسوی نیز تسلط یافت. شاختاخینسکی سپس با این پشتوانه علمی در سال ۱۸۸۰ م. / ۱۲۹۰ ق. به سن پترزبورگ بازگشت و به نگارش مقالات در مجلات و روزنامه‌های مختلف از جمله دو هفته‌نامه آراکس پرداخت و مقاله «میرزا ملکم خانِ ارمنی؛ سفیر ایران در لندن» را به نگارش درآورد. لازم به ذکر است که این دو هفته‌نامه به زبان ارمنی در طی سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۹۸ م. به مدت یازده سال در سن پترزبورگ به سردبیری سیمون گولامیریان منتشر می‌شده است. نکته قابل توجه این است که این مقاله اثبات می‌کند که شاختاخینسکی علاوه بر زبان‌های فوق‌الذکر به زبان ارمنی نیز تسلط داشته است.

۳. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، To_khosravi@yahoo.com

* * *

میرزا ملکم‌خان امروز در نزد افراد دولتی ایران از احترام خاصی برخوردار است. نبوغ سیاسی دقیق، تسلط وی در شناخت شرق و خدمات شایسته وی به زبان فارسی سبب شده است تا وی نزد اعلیحضرت شاه بسیار گرامی باشد. امروزه میرزا ملکم‌خان به همان اندازه که از سوی شاه ایران مورد قدردانی قرار گرفته است، به همین اندازه و حتی بیشتر در میان سیاستمداران اروپایی از احترام و عزت برخوردار است.

میرزا ملکم‌خان جزو طبقه ارمنی مشهور معاصر ما است. وی ارمنیان و نقطه‌نظرات آنها را می‌شناسد و تا حدود زیادی امیدوار به پیشرفت فکری مردم ارمنی است. میرزا ملکم‌خان در میان ارمنیان، ایرانیان و اکراد، به پاس هم‌نژادی آنها، به روابط دوستانه و صلح‌آمیز آنان امید زیادی دارد و این مسئله را بسیار طبیعی می‌داند. مشخص است که دین این سه ملت در دوران چندگانه‌پرستی یکی بوده است. میرزا ملکم‌خان ارتباط زبانی بسیار نزدیکی در میان این سه قوم می‌بیند، به همین خاطر وی هنگام بررسی کلمات فارسی همیشه به زبان ارمنی مراجعه می‌کند.

باید اشاره کرد که خود اعلیحضرت ناصرالدین شاه نیز این چنین فکر می‌کند. به همین خاطر وی همیشه با مهربانی با ارمنیان رفتار می‌کند. بدون شک، وی ارمنیان را به دلیل هم‌نژادی، بیشتر از عرب‌ها دوست دارد هر چند که دین ایرانیان با آنها یکی است اما از نظر نژادی یکی نیستند.

میرزا ملکم‌خان در سال ۱۸۳۱ در ایران به دنیا آمده است. تحصیلات ابتدایی اش را به زبان مادری در تهران گذراند. سپس وی در سن دوازده سالگی به آموزشگاه هایگازیان پاریس فرستاده شد. وی بعد از پنج سال ماندن در این آموزشگاه موفق شد تا زبان فرانسه و ریاضیات را یاد بگیرد. وی سپس به ایران برگشت و مترجم خصوصی و محافظ ناصرالدین شاه شد. میرزا ملکم‌خان در طی چهار، پنج سال اول خدمتش موفق شد اعتماد اعلیحضرت را به دست بیاورد چنان که ناصرالدین شاه وی را به همراه هیأتی مهم به دربار تمام کشورهای اروپایی و نزد دولت ایالات متحده آمریکا فرستاد. وی به خاطر داشتن مسئولیت حساس و دشوار در این سفر، پس از انعقاد قراردادهای دوستی و گرفتن مدال‌های متعدد به تهران برگشت. پس از

بازگشت به ایران وی تصمیم گرفت اصلاحاتی را در کشور انجام بدهد. این اصلاحات تا حدود زیادی در نوشته‌های جذاب نویسنده ما توضیح داده شده است.

* * *

پدر ملکم‌خان تابعیت روسیه داشت و در سفارت روسیه در تهران کار می‌کرد. ملکم‌خان نیز بعد از اتمام تحصیلاتش در اروپا، زمانی که به ایران بازگشت، تابعیت ایران را گرفت و در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. در ابتدا کار دولتی برای وی شغل دوم به حساب می‌آمد. وی به شیوه خاصی به دنبال روشنگری و پیشرفت طبقات عالی ایرانی، به‌طور شفاهی و کتبی، بود. ملکم‌خان در تهران اولین فراموشخانه (ماسونری) را بنیان نهاد که جوانان ایرانی درباره ضرورت ورود تمدن اروپایی و مباحث مبهم قرآن، با هدف گسترش تمدن در ایران، با همدیگر به بحث و گفتگو می‌پرداختند. فراموشخانه، برحسب ماهیت خود و بدون هیچ پنهان‌کاری، موسسه‌ای آموزشی است. ملکم‌خان از آداب و شاخصه‌های فراموشخانه‌های کشورهای اروپایی در برابر عوامل بیرونی دفاع می‌کرد. در ضمن اعضای این مؤسسه همدیگر را «برادر» خطاب می‌کردند. ناصرالدین شاه، زمانی که جوان بود، آن‌قدر به فراموشخانه علاقه‌مند شد که خودش عضو آن گردید و با رعایش برادر شد. توجه حاکم ایرانی به اقدام میرزا ملکم‌خان احترام وی را در جامعه به شدت ارتقاء داد.

ملکم‌خان به‌طور ویژه طنز سیاسی می‌نوشت. وی با کنایه‌های تند و عمیقش بی‌محابا چهل افراد دولتی را مورد حمله قرار می‌داد. ملکم‌خان، که به زبان فارسی اشراف داشت، ثابت کرد که زبان فارسی چقدر برای رمان، اشعار شاعران و سایر شاخه‌های ادبیات مناسب است. بسیاری از افراد دولتی در نوشته‌های میرزا ملکم‌خان نابغه، تصویر زنده خود را در نقش مدیران بی‌سواد می‌دیدند. به‌خاطر موفقیت ملکم‌خان در ایجاد فراموشخانه به وی حسادت می‌کردند و دشمنی اشخاص دولتی افزایش یافت. بنابراین به شدت به وی حمله می‌شد. آزار و اذیتشان نسبت به ملکم‌خان شروع شد و در نتیجه وی را ساقط نمودند.

در ابتدا بنیان‌گذاران (ماسون‌ها) را فراماسون می‌نامیدند؛ برگرفته از واژه فرانسوی franc-maçon. فراموشخانه یا خانه فراماسون‌ها مرکز تجمع ماسون‌ها بود. حسودان و دشمنان میرزا ملکم‌خان هم‌صدا با مخالفان روشنفکری و توده‌های افراطی و متنفر از تلاش‌های آن جوان، شاه را متقاعد نمودند که مباحث مطرح در فراموشخانه راجع به پیشرفت و روشنگری ایران

نوعی پوشش است که در لوای آن، جاه‌طلبی سیاسی اعضای اصلی این مؤسسه قرار دارد. آنان افکار شروانه در ذهن می‌پروانند و قصد دارند که شاه را از تخت به زیر بکشند و قدرت عالیّه دولتی را به دست بگیرند.

این مؤسسه فراماسون‌خانه نبود بلکه فراموشخانه، مؤسسه فراموشی، بود. زیرا مخالفان تحت پیگرد قرار می‌گرفتند. به این دلیل آن را فراموشخانه می‌نامیدند که هر کسی عضو آن می‌شد بایستی سوگند یاد کند که دین و تمام وظایف فردی و اجتماعی‌اش را برای خدمت به هدف مؤسسه به فراموشی بسپارد که این امر به‌طور واقعی باعث ساقط شدن حکومت فعلی می‌شد. فراموشخانه بسته شد. دو نفر از اعضای اصلی آن به دست حکومت کشته شدند. اما میرزا ملکم‌خان توانست جان‌ش را نجات بدهد و به ترکیه فرار کند. وی در آنجا پانزده سال به عنوان یک فرد معمولی زندگی کرد و اغلب به اروپا مسافرت می‌کرد. ملکم‌خان در ترکیه به مطالعات ادبیات شرق مشغول بود و به دنبال اصلاحاتی در حروف الفبای عربی، که در تمام سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌شد، بود. وی اشعار گستان سعدی را با الفبای تغییر داده شده، چاپ کرد. سفیر ایران در آن زمان حاجی میرزا حسین‌خان [سپهسالار]، مردی روشنفکر و از دوستان ملکم‌خان بود. وی زمانی که در سال ۱۸۷۵ صدراعظم ایران شد، توانست ملکم‌خان را نزد شاه تبرئه نماید. حاجی میرزا حسین‌خان، میرزا ملکم‌را به تهران دعوت نمود و با موافقت شاه وزیر امور داخلی شد.

شاه با همین منصب در سال ۱۸۷۸ وی را برای دفاع از منافع ایران به کنفرانس برلین فرستاد. به پاس تلاش میرزا ملکم‌خان، قطور - که تا حالا در دست ترکیه بود - به دست ایران افتاد. شاه برای این دستاورد به وی لقب «پرنس» اعطا کرد. اگرچه این لقب در ایران استفاده نمی‌شد. اما با اهدای این لقب خارجی خواست به سیاستمدارش اهمیت بین‌المللی بدهد. ملکم‌خان بعد از پایان کنفرانس برلین به سمت سفیری در لندن و برلین منصوب شد. اما همیشه در لندن اقامت دارد و حالا هم در همین منصب است. ملکم‌خان مقالات منطقی و استادانه‌ای درباره شرق در رونا‌های «Revue des deux Mondes» و «Times» نوشته است.



Доволено цензурой С.П.Б - 6 Ноября 1887г.

Лит. Гакштеттепа Троицк пеп 16

این تصویر در همین شماره مجله آراکس به چاپ رسیده است.